شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

۱۶ ۰۴ ۹۹

۲شنبه

۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+۴ صفحه ورزشی +۴ صفحه شهربانو+ ۱۶ صفحه شهرآرا محله

شماره ۳۱۴۴ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

رطوبت هوا ۱۷٪

۱۸° ↓ ۳۲° ↑

صبح ۲۳° | ظهر ۳۰° | عصر ۳۱° | شب ۳۵°

- اذان ظهر ۱۲:۳۶
- غروب آفتاب ۱۹:۵۲
- اذان مغرب ۲۰:۱۳
- نیمه شب شرعی ۲۳:۴۳
- اذان صبح فردا ۳:۳۴
- طلوع آفتاب فردا ۵:۲۱

حدیث روز

درد و بیماری زکات بدن انسان است.

امام جعفر صادق(ع)
تحف العقول

کاریکاتور

بدون شرح

محمدرضا میرشاه‌ولد

کشف حقیقت

پریده‌خوان

در ۴۰ سال پیش تصور من درباره داستان پلیسی-کارآگاهی کشف حقیقت بود و کشف حقیقت همیشه برای من جذاب بوده است، چون با جوهر معرفت در ادبیات ایران سازگاری داشت.

دلیل دوم عکس‌العمل شدید به جامعه داستان‌نویس ایران بود. در رمان پلیسی، به دلیل خالی بودن از پیرایه ادبی توانایی نویسنده را در پردازش داستان می‌توان به‌عینه دید. در هیچ نوعی از داستان بیشتر از این نوع تسلط نویسنده بر اجزای داستان ابعاد، حرکت‌ها، شخصیت‌ها و ساختارش آشکار نیست. پوشش ادبیات یا حتی ادعاهای مترقیانه وسیله قرار نمی‌گیرد تا نقطه‌ضعف‌ها را بپوشاند، داستان به صورت لخت و بی‌پیرایه عرضه می‌شود. به روشنی نشان داده می‌شود که این داستان درست دارد بیان می‌شود یا درست بیان نمی‌شود. این ۲ انگیزه اصلی بود. اول مقوله حقیقت‌یابی یا حقیقت‌پژوهی و دوم کوشش برای نشان دادن یک نمونه از یک متن روراستِ داستانی. امروزه به فیل در تاریکی نگاه می‌کنیم. هردوی این‌ها ما را پیوند می‌دهد با جوهر فرهنگ ایرانی؛ برای اینکه مقوله حقیقت با امر شناخت (=معرفت) که بنیاد ایرانی دارد و حکمت عملی پایه آن بوده مرتبط است.

راه ننوشته با قاسم هاشمی‌نژاد درباره کتاب‌هایش/ علی‌اکبر شیروانی/ نشر هرمس/ ۱۳۹۴

مردم واقعیت را می‌خواهند

گزارش روز

زهرا اسکندریان
خبرنگار

ایسپا در یک طرح نظرسنجی تلفنی این‌بار میزان استفاده مردم از رسانه صداوسیما را مورد بررسی قرار داد. آمارگیری از ۱۵۸۲ نفر در خردادماه امسال انجام‌شده که سهم زنان و مردان هم در این آمارگیری برابر بوده است. آنچه که در نتایج این آمارگیری بسیار به چشم می‌آید، این است که از هر ۱۰ نفر ۳ نفر در کل کشور معتقدند صداوسیما واقعیت‌های جامعه را منعکس می‌کند. این شاید به این معنی باشد که ۷۰ درصد مردم اعتقاد دارند صداوسیما واقعیت‌های جامعه را منعکس نمی‌کند. این یعنی ۷۰ درصد مخاطبان صداوسیما اعتقاد دارند آنچه تماشا می‌کنند واقعی نیست یا دست‌کم تطابقی با آنچه که در جامعه لمس می‌کنند، ندارد. با یک یادآوری مختصر و گذرا از آنچه در صداوسیما پخش می‌شود می‌توان به همین موضوع هم رسید. اولین چیزی که به ذهن احتمالا خیلی از ما می‌رسد تبلیغات پخش‌شده در این جعبه جادویی است. مثلا برای معرفی و برندسازی یک سس مایونز یا رب گوجه فرنگی، باید فیلم‌هایی از خانواده‌ای با شکل و شمایل اروپایی، موهای بور و خانه‌ای ویلایی (که بیشتر مواقع بیرون از خانه حتما باغ درندشتی وجود دارد که خانواده در آنجا نهار می‌خورند) در صداوسیما صبح و شب پخش شود. خب اگر حساب کنیم این فیلم شاید برای نیم درصد جامعه ایرانی صدق کند. موضوعی که علاوه بر واقعی نبودن، ترویج مصرف‌گرایی را هم به دنبال دارد. اما در بخش دیگری از این نظرسنجی ۴۵/۸ درصد مردم گفته‌اند که از صداوسیما بیشتر از سایر رسانه‌ها استفاده می‌کنند. این عدد نشان می‌دهد بیشتر از نیمی از مردم رسانه‌های دیگر را برای آگاهی یا سرگرمی انتخاب کرده‌اند. رسانه‌هایی که ممکن است اصلا داخلی نباشند و صحت و سقم اطلاعات ارائه‌شده هم با آنچه واقعیت دارد، همخوانی نداشته باشد. باز هم رسیدیم به واقعی نبودن آنچه ارائه می‌شود. یعنی در مجموع مردم از آنچه می‌پندارند واقعیت ندارد، به سمت رسانه دیگری می‌روند که توانسته است جذابیت داشته باشد و اعتماد جلب کند اما آن رسانه هم با شکل و روی دیگری باز هم واقعیت را می‌پوشاند.

در ادامه این نظرسنجی آمده که ۳۱/۲ درصد از شبکه‌های اجتماعی مجازی، ۱۰/۳ درصد از سایت‌های اینترنتی، ۶/۹ درصد از شبکه‌های ماهواره‌ای و ۱/۳ درصد از روزنامه‌ها و مجلات استفاده می‌کنند. نکته شایان توجه این است که با توجه به اینکه در این سؤال پاسخ‌گویان فقط می‌توانستند یک گزینه انتخاب کنند، این اعداد بیانگر درصد استفاده‌کنندگان از این رسانه‌ها نیست، بلکه فقط اولویت‌های مردم در انتخاب رسانه‌ها را نشان می‌دهد و به عبارت دیگر میزان مخاطبان هر کدام از رسانه‌ها بیشتر از این اعداد است. اما میزان تحصیلات و سن افراد هم در مخاطب قرارگرفتن صداوسیما نقش دارد. میزان انتخاب صداوسیما در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال (۲۴/۶ درصد) به طرز جالب توجهی کمتر از گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۹ سال (۴۶/۳ درصد) و افراد بالاتر از ۵۰ سال (۶۹/۶ درصد) است. همچنین بر اساس این نظرسنجی هر چه افراد از تحصیلات بیشتری برخوردار باشند، کمتر از صداوسیما به عنوان رسانه اصلی استفاده می‌کنند؛ درحالی که ۵۶/۶ درصد گروه تحصیلی دیپلم و زیر دیپلم گفته‌اند در میان رسانه‌های مذکور بیشتر مخاطب صداوسیما هستند. این میزان در گروه تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری تا ۲۶/۷ درصد کاهش می‌یابد.

از این دیدار گریزی نیست

صبح سوم

فریدون صدیقی
استاد روزنامه‌نگاری

دکتر گفت: دفترچه بیمه دارید؟ از خرسندی این پرسش می‌خواستم گونه‌های گل انداخته‌اش را ببوسم اما صرف‌نظر کردم. کرونا عاقل‌تر از آنفلوانزا همان جا در تماشای رابطه ما دوتا بود و از اینکه دکتر ماسکش را بعد از معاینه من برداشته بود مثل گنجشک دم صبح خوش‌حال بود. کور خوانده بود، چون او نمی‌داند ما سال‌هاست به جدایی برخی از پزشکان با بیماران عادت کرده‌ایم و حالا که کووید ۱۹ فعلا رکورد ۱۱ میلیون مبتلا و ۶۰۰ هزار کشته را به ثبت رسانده است، به‌جز دیدن سیمای روشن و عزیز مادر، ملاقات خانم یا آقای دلبندی و دیدار آغوش فرزندان همیشه نور چشم دودیده بقیه دیدارها عموما اجباری است و اجباری‌ترین دیدار که گریزی از آن نیست ملاقات افسرده با پزشک است.

وقتی ۳ برگ باقی‌مانده دفترچه‌ام را پر کرد از شوق می‌خواستم تا رفتن به طبقه دوم یک شکلات کاغذپیچی بخورم اما نشد. در طبقه دوم دفترچه را تحویل می‌دهم. خانم جوان و متبسمی می‌فرمایند دورگردنی ۹۰۰ هزار تومان است؛ عرق هم نمی‌کند! گفتم نمی‌شود شال گردن ببندم. آن خانم محترم فقط خنده نرم فرمودند. گفتم با بیمه چقدر می‌شود؟ فرمودند ما بیمه نیستیم اگر می‌خواهید نامه بنویسیم برای بیمه تکمیلی، شاید چیزی دستتان را بگیرد. نامه را نگرفتم چون گریه‌ام گرفته بود. دخترم گفت پدرجان با شال گردن که نمی‌شه آرتروزِ گردن را معالجه کرد. پول پرداخت شد. من از تهدید بغض، سرفه کردم اما مردمان بیمار فکر کردند من کرونا گرفته‌ام، همه وحشت کردند! حالا در طبقه همکف هستم برای گرفتن نوار اعصاب دست که درگیر عصب شانه‌ام شده است. می‌گویند هزینه نوار ۳۹۰ هزارتومان بدون بیمه، چون اصلا بیمه نیستند. می‌خواستم بزنم زیرگریه. دخترم دلداری‌ام داد: خدارا شکر که کرونا نگرفتی! این‌قدر خودتو اذیت نکن پدرجان! من گفتم باشه اما حالم ترک خورده چون کویرلوت بود به دکتر متخصص اعصاب دست و گردن گفتم وقتی نه وسایل، نه گرفتن نوار اعصاب و نه فیزیوتراپی بیمه نیست، چرا متخصص اورتوپد که کلینیک مال اوست نسخه‌ها را توی دفترچه می‌نویسد؟ به گمانم رپ‌رپ نبضم در دستش، او را مجاب کرد تا راست بگوید: واسه دلخوشی شما! چه روزگار غم‌انگیزی که عمر دلخوشی‌های ما به فاصله یک طبقه است. می‌دانم اکثر قریب به اتفاق پزشکان ما مردمانی شریف و دلسوز و دردمندند و می‌دانم جمعی از آنان در پیکار نابرابر با کرونا جان شیرین خود را فدا کرده‌اند اما این راهم می‌دانم فرایند تخریب رابطه پزشک و بیمار به‌تدریج فزاینده می‌شود. وقتی میزان شکایت از پزشکان متخلف از رشد ۲/۸ درصد به ۱۲ درصد می‌رسد، یعنی اعتماد نکردن بیمار به پزشک روبه افزایش است. گفته می‌شود بیشترین گله و شکایت از جراحان پلاستیک است اما واقعیت غیر از این است، چون این دوستان زیبایی‌ساز در رده چهارم متخلفان هستند و در سال ۹۷ تعداد شکایت از آنان فقط ۳۳۹ مورد بوده که فقط ۱۱۹ مورد منجر به محکومیت زیباسازان شده است.

بیمار دماغ بسیار کوتاه شده‌ای می‌گوید: حالا شما حساب کنید پزشکان زنان و زایمان، جراحان عمومی و دندان‌پزشکان که به ترتیب مقام‌های اول تا سوم را از آن خود کرده‌اند چه تعداد شاکی داشته‌اند. نکته غمگین روایت ارتباط پزشک و بیمار جایی است که پزشکانی عموما جوان خود را در مقام جان‌بخش بیمار می‌بینند باکلی تبختر.

وکیل این بیمار دماغ از دست‌داده پاسخ می‌دهد: البته که چنین نیست، چون این نگاه توهمی را هر کس در هر شغلی می‌تواند داشته باشد. مثلا پنجرگیرها هم می‌توانند بگویند جان مسافران اول دست خدا و بعد دست ماست. چرا؟ چون می‌توانند پیچ یکی از چرخ‌ها را شل ببندند و مسافران و راننده را در جاده بیرجند به بهشت بفرستند. آن‌وقت از این دیدگاه عمومی آیا گریزی هست؟ جوان دماغ‌گربه‌ای می‌گوید: اگر قرار است جان‌بخشی در این ایام باشد بی‌گمان پرستاران بیماران کرونایی هستند. وکیل دماغ‌بریده تأکید می‌کند حقیقتا نبض زندگی بیمار در گرو توجه شبانه‌روزی پرستاران است و آنان همه جان‌نثارند.

کاش من کمی پرستار بودم و لباس سفید سرفزازی و افتخار می‌پوشیدم. دریغ که با این گردن پردرد و کتف محزون ناتوان‌تر از برگ بیدم. کاش همه پزشکان، طبیب بودند، طبیبان حبیب بودند تا وقتی نبضمان را می‌گرفتند همان لحظه خوب می‌شدیم. ای کاش!

عکس روز

اجباری شدن ماسک در مکان‌های عمومی

عکس: احمد حسنی | شهرآرا

سانفرانسیسکو، مبارزه با کرونا و بی‌خانمان‌ها

متروپلیس

عمادپورشهریاری
روزنامه‌نگار

ویروس کرونا روزبه‌روز تأثیرش بر زندگی مردم جهان بیشتر می‌شود. هنوز درمانی ندارد و واکسنی برایش ساخته نشده است. راه حل پزشکان شستن مکرر دست‌ها، حفظ فاصله فیزیکی، استفاده از ماسک و البته قرنطینه کردن فرد مبتلاست؛ روش‌هایی که نه در حالت عادی و نه در یک همه‌گیری عظیم به ذهن بی‌خانمان‌ها خطور نخواهد کرد. اصلا برای این افراد تهیه وسایل بهداشتی اولویتی ندارد و به هشدارها هم بی‌توجه‌اند. از همه مهم‌تر اینکه اگر به کووید ۱۹ مبتلا شوند کجا باید خود را قرنطینه کنند؟

سانفرانسیسکو، مظهر زندگی مدرن، مرکز فناوری‌های نوظهور جهان و شهری است که بیشترین میلیاردرهای جهان (به نسبت جمعیت) در آن زندگی می‌کنند. این شهر اما سال‌هاست با معضل بی‌خانمان‌ها روبه‌روست. وب‌سایت بلومبرگ مدعی است ۹۰۰۰ بی‌خانمان در این شهر زندگی می‌کنند. با شیوع کرونا این شکل از زندگی افزایش هم یافته است. آن‌طور که گاردین گزارش داده، از زمان شیوع این بیماری تنها در یکی از محله‌های این شهر پدیده چادرخوابی ۲۸۵ درصد افزایش یافته است. بیشتر این افراد علاوه بر کرونا در برابر مواد مخدر، بیماری‌های عفونی، ایدز و مشکلات روانی نیز بی‌دفاع‌اند. برای کنترل این معضل، شهرداری سانفرانسیسکو چندین برنامه اجرایی در نظر گرفته است. اول از همه جداسازی و قرنطینه افراد مبتلا به کرونا و گروه‌های پرخطر. تعداد آزمایش‌های کرونا در میان بی‌خانمان‌های این شهر گرچه به‌هیچ‌عنوان کافی گزارش نشده است ولی هر فردی که به‌صورت رسمی آزمایشش مثبت شود به یکی از ۳۰ هزار اتاق خالی‌مانده هتل‌های شهر منتقل خَواهد شد. هر بی‌خانمانی هم که بتواند حضور خود را در گروه‌های پرخطر این بیماری ثابت کند نیز می‌تواند سر پناهی داشته باشد.

انتقال این تعداد بی‌خانمان به هتل‌ها کار آسان و البته کم‌هزینه‌ای نیست. بسیاری از کسب‌وکارهای محلی و صاحبان هتل‌ها در برابر این جابه‌جایی مقاومت می‌کنند. وب‌سایت بیزینس اینسایدر، هزینه اسکانِ نودروزه ۷۰۰۰ بی‌خانمان را ۱۰۵ میلیون دلار برآورد کرده است.

ایجاد مناطق ویژه برای بی‌خانمان‌ها از برنامه‌های دیگر سانفرانسیسکو برای کنترل کرونا در خیابان‌های این شهر است. برای این کار، ۳ منطقه خوابگاهی امن در نظر گرفته شده است و افراد بی‌خانمان می‌توانند در این مکان‌ها چادر بزنند. نظارت در این مناطق بسیار بیشتر است، پزشکان و گروه‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند به‌صورت متمرکز به این گروه خدمات بدهند. از سوی دیگر تمرکز افراد بی‌خانمان در ۳ منطقه خاص، کنترل پراکندگی احتمالی کووید ۱۹ را نیز تسهیل خواهد کرد. علاوه بر این شهرداری و مقامات محلی سرویس بهداشتی سیار و ایستگاه‌های شست‌وشوی دست را در محل‌های زندگی بی‌خانمان‌ها گسترش داده‌اند. مقامات بهداشتی سانفرانسیسکو حتی میان معتادان این منطقه خدمات متنوعی را ارائه کرده‌اند تا علاوه بر تشویق آن‌ها به قرنطینه ماندن در چادر مسافرتی خود، از تعامل آن‌ها با یکدیگر جلوگیری کنند. اما آیا با همه این هزینه‌ها، کمک‌های دولتی و محلی، اقدامات پیشگیرانه و خیریه، مشکل شیوع کرونا در بی‌خانمان‌های سانفرانسیسکو حل شده است؟ نشریه محلی سانفرانسیسکو کرونیکل در گزارشی به سازمان‌دهی مطلوب بی‌خانمان‌های این شهر اشاره کرد و نوشت: «در بسیاری از محله‌ها دیگر خبری از چادر خواب‌ها نیست، البته با هزینه‌ای گزاف.» هزینه‌ای که با تداوم این ویروس همه‌گیر همچنان سیر صعودی دارد و معلوم نیست دولت‌های محلی تا چه زمانی بتوانند همین مقاومت حداقلی را ادامه دهند.

فیلم

کرونا و آخرالزمان

theguardian

طرف‌داران فیلم‌های آخرالزمانی بهتر از دیگران با کووید ۱۹ کنار آمده‌اند. محققان می‌گویند که فیلم‌های آخرالزمانی افراد را برای ویروس کرونا آماده و آن‌ها را در برابر آن مقاوم‌تر می‌کنند. فیلم‌های آخرالزمانی معمولا به مفاهیمی چون پایان دنیا و به‌هم‌ریختن نظم جهان می‌پردازند. به‌طور مثال در فیلم «شیوع» (۲۰۱۱) مسائلی مانند وحشت از یک بیماری همه‌گیر، انزوا، ترس از دیگران و ادعاهای دروغین و درمان‌های معجزه‌آسا مطرح شده بود و همین موضوع به مخاطبان آن کمک کرده بود که بهتر از دیگران بحران بیماری را مدیریت کنند.

پزشکی

واکسن آکسفورد

FIRSTPOST.

دانشگاه اکسفورد پیشتاز رقابت ساخت واکسن است. محققان بر این عقیده‌اند که دانشگاه آکسفورد محتمل‌ترین گزینه برای دست‌یافتن به واکسنی قابل اعتماد برای درمان کووید ۱۹ است. سازمان جهانی بهداشت نیز از آکسفورد، به‌عنوان منبعی معتبر و پیشگام در جهان، درخواست ساخت واکسنی مطمئن را داشته است. دکتر سارا گیلبرت، پژوهشگر ارشد تیم ساخت واکسن کووید ۱۹، در آکسفورد می‌گوید که واکسن آکسفورد از دوام و ایمنی بالایی برخوردار خواهد بود و به عملکرد آن خوش‌بین است.

پزشکی

فرصتی برای بازسازی فرهنگ یک‌سویه

The New York Times

گردشگری ونیز دیگر مثل سابق نخواهد بود

و احتمالا بهتر از قبل خواهد شد. همه‌گیری جهانی کووید ۱۹ به صنعت گردشگری در ونیز و دیگر نقاط مشهور گردشگری جهان آسیب وارد کرده است. اما بسیاری این ضربه را فرصتی برای بازسازی دوباره «فرهنگ یک‌سویه گردشگری» تلقی می‌کنند. مردم ونیز با تجربه بحران کووید ۱۹ و رکود اقتصادی ناشی از نبود گردشگر به فکر افتاده‌اند تا مقامات محلی خود را به سوی تصمیماتی جدید سوق بدهند. ونیز که تا پیش از این از سیستم گردشگری منظمی برخوردار نبوده، حالا به فکر گسترش خدمات اینترنتی جدی‌تری شامل رزروهای محل اقامت در این شهر افتاده است.

فناوری

کمپانی‌های تکنولوژی دنیا و فناوری تشخیص چهره پلیس آمریکا

CNN

در پی اعتراضات ضدنژادپرستی آمریکا، شرکت‌های بنامی چون آی‌بی‌ام، آمازون و مایکروسافت، فروش فناوری تشخیص چهره به دپارتمان‌های پلیس آمریکا را متوقف کردند و از دولت خواستند تا خود مسئولیت این فناوری پیشرفته را به عهده بگیرد. با وجود اینکه این خبر به‌شدت صدا کرد، این شرکت‌ها در صدر تأمین‌کننده‌های فناوری تشخیص چهره دنیا قرار ندارند و پلیس آمریکا کماکان می‌تواند از منابع مهم‌تری نیاز خود را برطرف کند. NEC ژاپن، Cognitec آلمان و iOmniscient استرالیا از جمله شرکت‌هایی هستند که اعلام کرده‌اند تمایل دارند به روابط خود با پلیس آمریکا ادامه دهند.

جهت

زین قندپارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

«دعوت از مردم مؤمن و زائران جهت اهدای خون...» ✗

نکته: معنای اصلی واژه «جهت» یعنی «سمت» و «سو» است؛ بنابراین، به‌کاربردن آن به معنای «برای» و «به دلیل» و «به‌منظور» نادرست است.

#زین_قند_پارسی

۱۶ تیر ۱۳۷۳

تاریخ‌نگار

درگذشت شیدا، شاعر صائب‌شناس

برخی افراد هرچند در چندین و چند هنر توانمند هستند، به دلیل فعالیتشان درباره یک موضوع خاص که کمتر بدان پرداخته شده است در همان هنر به شهرت می‌رسند. محمد بی‌ریای کهن گیلانی، معروف به شیدا، از جمله این افراد است. او در کنار شاعری نقاش، موسیقی‌دان، نمایشنامه‌نویس، عکاس و تندیس‌تراش هم بود و بیشتر به این دلیل نامی برای خود دست‌وپا کرد که مکتب شعری صائب تبریزی را که گونه‌ای خاص از سبک هندی بود، بار دیگر احیا کرد. حرکتی که باعث شد جلای وطن کند و ابتدا سال‌ها در اصفهان و بعد نیشابور ساکن شود. سرانجام در حالی ۱۶ تیر ۱۳۷۳ شمسی رخ در نقاب خاک کشید که علاوه بر احیای سبک شعری صائب، انجمن سخن نیشابور را هم پایه‌گذاری کرده بود و ۲۰ هزار بیت شعر یادگار گذاشته بود.